

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۱.۰۴.۰۹

من و تو

بر سر راهی که به خورشید رود

قرعه عهد به پیمان ز نیم

## سالروز تأسیس رود خروشان

### سازمان انقلابی افغانستان را گرامی می داریم

یک سال از میثاق رزم همنبردان "سازمان انقلابی افغانستان" برای فتح راه خارااین انقلاب پرولتاریائی کشور ما می گذرد. سال قبل با آغاز سال نو، کنگره مؤسس "سازمان انقلابی افغانستان" تدویر و از درون بستر داغ مبارزات پر بار شعله ای، سازمانی سر برآورد که به عنوان سکاندار خلق های کبیر ما، راسخانه بر آنچه مارکسیزم-لنینیزم-اندیشه مائو راه دنیای نوین عاری از استعمار و استثمار را ترسیم نموده، گام نهاد و صدای رزم آن، کران تا کران وطن سوخته و اشغال شده ای ما را درنوردید و چون نهنگ موج آفرین نه تنها روشنفکران انقلابی را به شور آورد، که به رود بیکران جنبش انقلابی مائوتسه دون اندیشه جهانی پیوست. اینک یک سال بعد از کار و پیکار انقلابی، سالروز آن را جشن می گیریم و با درود و تهنیت های رفیقانه به همه انقلابیون و زحمتکشان افغانستان و جهان، این سالروز را مبارکباد می گوئیم و میثاق می بندیم که این خارااین راه را تا براندازی کاخ سرمایه و قدم ماندن بر نطع خونگون شفق، بی هراس ببیمائیم و مدال گیران سرمایه را که در پوست چپ خزیده اند، بی نقاب سازیم و راه انقلاب و ضد انقلاب را با زلال آفتاب از یکدیگر جدا نماییم.

انشعاب رفقای سازمان انقلابی در مقابله با انحرافات سازمان رهائی که در مغازه با سرمایه جهانی و پشت کردن رهبران آن به انقلاب پرولتاریائی با پا گذاشتن بر ایدئولوژی و گور رهبران شهید آن که وجدان سازمان را آزرده، با چهار اختلاف اساسی (حرکت موهوم، سانترالیزم استبدادی، انجوایزم و استفاده جوئی از سازمان پایه ای) جهت ایجاد سازمان انقلابی و متعهد به مارکسیزم-لنینیزم-اندیشه مائو، در عقرب ۱۳۸۵ «گروه پیشگام افغانستان» را به عنوان کمیته تدارک انعقاد کنگره مؤسس تاسیس کردند. «گروه پیشگام افغانستان» بعد از یک ونیم سال تلاش خستگی ناپذیر موفق به برگزاری کنگره مؤسس "سازمان انقلابی افغانستان" گردید. این کنگره که در روز اول حمل ۱۳۸۷ برگزار شد، در آن جمعی از رفقای کمونیست با تعهد به پیکار انقلابی و ادامه راه رهبران جانباخته جنبش انقلابی کشور (رفیق اکرم یاری، رفیق داکتر فیض احمد و رفیق مجید) شرکت نمودند و در فضای دموکراتیک و انقلابی به تدوین و تصویب مشی، برنامه و اساسنامه و تعیین رهبری سازمان پرداختند و با احترام به اصل سانترالیزم دموکراتیک و رأی و انتخاب، بعد از برگزیدن نام سازمان، کار آن به پایان رسید.

قبل از آنکه به ارزیابی کار سازمان انقلابی افغانستان در سالی که گذشت بپردازیم، ارزیابی کوتاهی از وضعیت عمومی توده ها درین سال که بستری برای فعالیت های سازمان ماست و اوضاع جهانی مرتبط به آن می پردازیم.

درین سال امپریالیست های متجاوز به تکمیل پروژه اشغال شان در افغانستان پرداخته و با آوردن هزاران چکمه پوش دیگر و تأسیس پایگاه هائی برای دراز کردن عمر اشغال دست زدند. نیروهای ویژه کشت و بست امریکائی به نام «سپیشل فورس» خون هزاران هموطن ما را ریختند که خود اینان به کشتن ۱۶۰۰ نفر درین سال اعتراف کرده اند. به این خاطر بیش از یکصد مظاهره درین سال بر ضد حضور نیروهای اشغالگر با شعار مرگ

بر امریکا در هر گوشه و کنار میهن ما طنین انداخت و چون از رهبری انقلابی محروم بودند، با آنکه نتیجه ملموسی در کاهش بدمستی های نیروهای اشغالگر نداشتند و بیشترین سود آن ها را طالبان فاشیست ربودند، اما در عمل این تظاهرات موضعگیری زحمتکشان کشور ما را در برابر اشغالگران به نمایش گذاشت. بسیاری این تظاهرات از سوی پولیس مزدور به خون نشست و به این ترتیب زحمتکشان افغانستان با تمام تبلیغات مزدوران و قلاده بندان سرمایه که حضور امریکائی ها را «موهبت بزرگ» و «فرصت طلایی» می نامند و «چپ مدالگیر» که بی شرمانه از چنین جانمایی می خواهند تا «عدالانه» و «بشر دوستانه» جنگسالاران را «محاكمه» کنند و برای ریزه خواری و بیرنگ نمودن اشغال، تیوری غرب پسندانه «مداخله» را به جای اشغال ابداع کرده و راه رهایی خلق های در بند افغانستان را دروازه های یوناما، حقوق بشر سازمان ملل و ریفورم های انجونی قرار می دهند، چهره «بشر دوستی» متجاوزان و قلاده بندان شان را عریان و بی نقاب ساختند.

با فقر بی مانند توده های مردم و تبدیل افغانستان به یک جامعه مصرفی که بیش از چهارونیم ملیون جوان آن بیکار اند و هجوم دهقانان ورشکسته و خرده بورژوازی فقیر دهات به شهرها، مخصوصاً کابل، هرات، مزار و جلال آباد، تفاوت های طبقاتی را چنان وسعت بخشید که کابل، این دارالحکومه اشغالگران به گداخانه ای که هر لحظه برای هر عابری دست تضرع بلند می شود، مبدل گشت و برای خلق زحمتکش افغانستان نشان داد که «فرصت طلایی» سرمایه داری و بازار آزاد امپریالیستی چه معنا و مفهومی دارد.

فساد دونرها، انجوها و تمامی ارگان های دولتی درین سال چنان بیداد کرد که به طور نمونه، فاسدان و رشوه ستانان ۸۰ ملیون یورو را با چک جعلی از بانک مرکزی دزدیدند؛ پول های کابل بانک از شاخه ای در داخل تعمیر وزارت داخله دزدی شد و ۸۵ هزار میل اسلحه امریکائی در افغانستان ظاهراً به یغما رفت. وقتی کمپنی هیلبرتن دیکچینی (معاون بوش) این سردمدار امپریالیزم امریکا، تنها از قرارداد البسه برای نیروهای امریکائی در عراق ۶۰ ملیون دالر بزدد، چرا تار و پود اداره پوشالی خود را در افغانستان آلوده به هر پستی و پلشتی نسانند؟ وزیر مالیه این دولت که خود را آورنده هشت ملیون دالر «کمک» به افغانستان می داند، چرا ۱۵۰ ملیون دالر را زیر نزنند؟ وی که مدت ها در بانک جهانی کار کرده، چرا «اصول مقدس» بانک جهانی را که یکی از ابزارهای مهم استثماری امپریالیست ها برای به فقر کشیدن دنیا و استثمار خونین آن است، با این دزدی تصویر نکند؟ فساد بی نظیر کنونی در افغانستان، حداقل ارزیابی های جاودان رهبران جنبش کبیر پرولتاریائی جهان از سرشت سرمایه داری را برای انقلابیون و توده های فقیر مردم که گفته بودند «رژیم های سرمایه داری پر از تضاد، کشمکش، جعل، تزویر، دزدی، تظاهر، خونریزی و بی شرافتی است» به اثبات می رساند و نشان می دهد که هر نوع «آتش بس» و «مصالحه» با سردمداران رژیم های سرمایه داری و دست دعا و دوستی بلند کردن با آنان جز پشت کردن به علم انقلاب، توده ها و خیانت به انقلاب پرولتری چیز دیگری بوده نمی تواند.

سالی که گذشت، نیروهای القاعده و طالب هم چنان برای به دست آوردن قدرت با حلق و گلو بریدن مردم به تطبیق «شریعت مقدس» شان ادامه دادند و با بدمستی بر خون مردم، در جریان حملات انتحاری و انفجاری بیش از ۲۵۰۰ تن فرد ملکی غیر مسلح را که به دهقانان، کارگران و خرده بورژوازی فقیر شهری بستگی داشتند، توته توته کردند و از جایی که سردمداران رژیم پوشالی همچو موش های ترسو در پشت دیوارهای سمنتی، سیم های خاردار و درون موترهای ضد گلوله و شیشه سیاه خزیده و فامیل های شان در بیرون از کشور کیف می کنند، نه تنها درین عملیات ها کشته نشدند، که روز تا روز غارهای شان را مجهز و مجهزتر ساخته و طالبان فاشیست فقط خون توده های مردم را می ریزند و نشان می دهند که در رقابت کشتار و سلاخی نمودن بیگناهان از اشغالگران امریکائی دست کوتاهی ندارند. این باعث گردید تا حسین اوبامای «معصوم» برای «نجات» مردم افغانستان از شر طالبان به زودی ارسال بیست هزار سرباز دیگر امریکائی را تصویب نماید تا هرچه بیشتر استقرار دایمی نیروهایش را در افغانستان کامل سازد و در صورتی که نیروهای اروپائی عضو ناتو، افغانستان را ترک کنند، خلای اشغال به وجود نیاید. اشغالگران امریکائی شبانه به خانه های مردم هجوم برده، با انفجار دروازه ها و فیر راکت به داخل خانه های مردم نه تنها مردان، که زنان و کودکان را هم به گلوله بستند و پول های مردم را تاراج نمودند؛ زنان و اطفال را به چاه ها انداخته و با دندان های سگ تکه و توته نمودند؛ زندان بگرام را محل شکنجه ها، توهین، تحقیر و دمنشی های قرون وسطائی لومپن های خالکوبی شده سربازان شان قرار داده و برای اینکه حجم بزرگی از هموطنان ما را در پشت میله های «باستیل امریکائی» نگه دارند، ۶۰ جریب زمین را در حومه بگرام برای ساختن زندان بی مانند ۶۰ ملیون دالری اختصاص داده و اینگونه می خواهند محتوای واقعی «دموکراسی اشغال» را به مردم دنیا نشان دهند.

درین سال بعد از به قدرت رسیدن اوباما که ابتدا با طمطراق از نابودی القاعده و طالب یاد می کرد، مشاوران او به زودی وی را از اظهارات احمقانه اش باز داشته و با پیروی از اندرزهای امپریالیزم پیر انگلیس که سال ها درین خطه با قلاده بندان مذهبی اش کار کرده، آشتی دادن مزدوران طالب، تکنوکرات و جنگسالارش را مطرح نمود و حال می خواهد یکی از حلقه به گوشان تیل فروشش (خادم حرمین و شریفین) را که در شکستن پرچم رزم انقلابیون فلسطینی، چاه های نفتش را به پای قصابان اسرائیلی ریخت، جهت به سر رساندن این وظیفه مامور سازد. اشغالگران فقط برای فتح مناطق جهان به نیروی کار، مواد خام و بازار فروش می اندیشند، به این خاطر

اخلاق سرمایه داری حکم می کند که خود را به هیچ فرد و نیروی خاص و چیزی به نام گسترش دموکراسی، جامعه مدنی، پلورالیزم و مدرنیسم مقید نساخته، تمام این ها را به آسانی به پای خونریزترین جانیانی که منافع شان را بر آورده بتوانند، فدا کرده و چون امریکا خود بزرگترین تروریست و خونریز جهان است، در افغانستان نیز فقط به این می اندیشد که منافع بلند مدتش را با کی ها برآورده می تواند. امریکا قادر است که یکشنبه نام های جانیانی چون ملا عمر و گلبدین را از «لست سیاه» بیرون کند و آنان را در آغوش بگیرد، برای شان کرسی های بلندی در قدرت مدنظر بگیرد و علناً بگوید که ما به «دموکراسی» برای افغان ها کاری نداریم و از ورود طالبان با شمشیر شریعت که هر آواز آزادیخواهی را از دم تیغ بکشند، حمایت نماید، زیرا طالبان که قادرند با کنده و شلاق هر صدائی را در داخل خفه سازند، می توانند روس ها، هندی ها و چینی ها را از درون افغانستان تهدید نمایند و رقیبان آسیائی امریکا و انگلیس را با اعزام نیروهای جنون زده شان درگیر جنگ درونی کنند و به عنوان سربازان سرمایه، تسلیخ گاه افغانستان را با گلو بریدن و حلقوم دریدن کارگران و دهقانان هرچه بیشتر خونین سازند و به این صورت بار دیگر این مزدوران تیغ به دست نه تنها از سوی عربستان، امارات و پاکستان، که از سوی انگلیس و امریکا هم به رسمیت شناخته خواهند شد. این به رسمیت شناخته شدن می تواند به استقرار پایگاه های دایمی امریکا درین جزیره متروک کمک کند، چیزی که هدف اصلی امریکا و انگلیس درین منطقه است.

این بار طالبان به بادار نشان خواهند داد که در گسترش سرمایه، استثمار، مواد مخدر، فروش ذخایر پنجصد هزار میلیارد دلاری زیرزمینی افغانستان (این را ناسای امریکا برآورد کرده و ممکن نیست که بار بار بیشتر ازین نباشد، چون امپریالیست ها در هیچ موردی راست نمی گویند) و ضربه زدن به حریفان آسیائی امریکا، هزار بار بهتر از مزدوران تکنوکرات، خدمتگذارتر می باشند و تکنوکرات ها نیز قادرند ملیون بار در کنار «طلبای کرام» در خدمت این منافع قرار بگیرند (مگر در دوران امارت طالبی، همین کرزی، ولسمل، اشرف غنی، احدی، خلیل زاد، ستانکرزی و دهها شرفباخته دیگر تلاش نمی کردند تا مورد الطاف طالبان قرار بگیرند و به سخنگویی یا وزارت طالبان نایل آیند و چرا امروز از چنین کاری ابا داشته باشند؟). امریکا و انگلیس می توانند با گرفتن چند تربوز در یک دست، مزدوران پست و پلشت جنگسالار خود را نیز در مشت داشته باشند و دست رژیم های کرکس ایرانی و پاکستانی را در خوردن پوست و استخوان افغان ها باز و بازتر بگذارند. اگر با سقوط دادن طالبان بعد از یازده سپتامبر، نیروهای امریکائی و انگلیسی قادر به آوردن هزاران سرباز به افغانستان، این مهمترین نقطه ستراتیژیک آسیا شدند، حال با مصالحه با آنان قادر می شوند که حریفان آسیائی شان را با این نیرو به تهدید بگیرند که چیزی جز استفاده دو سره از یک نیرو در دو زمان نمی باشد، اما این مردم افغانستان اند که به هر دو سر تاوان می پردازند.

در سالی که گذشت، انتخابات ریاست جمهوری ظاهراً غوغا به پا کرد و حال می رود تا امسال هم تنور سرد «دموکراسی امریکائی» را داغ نگه دارد و اشغالگران با مطبوعات بی مایه و گویندگان مزدبگیر و بی مزد، آن را اتفاق بسیار مهم در زندگی افغان ها جلوه دهند و توجه مردم را از هزاران بدبختی و ادبار به این سو بچرخانند. درین میان مزدورانی چون کرزی، داکتر عبدالله، اشرف غنی، احدی، جلالی، خلیل زاد، گل آقا و "موسیجه" هائی چون بشیر بیژن، حلیم تنویر، شهلا عطا، میرویس یاسینی، سید جلال، پدram، بشردوست و دهها تن دیگر ازین قماش آستین را بالا زده اند که در زیر پرچم اشغال و وطنفروشی مصدر خدمتی برای اشغالگران شوند و عده ای هم برای رسیدن به معاون اول و دوم شب و روز نفس می زنند. انتخابات کنونی که با هیچ شوری از سوی مردم استقبال می شود و عقب مانده ترین توده های کشور هم ماهیت کثیف آن را درک کرده و درین پنج سال دیده اند که رئیس جمهور و وکیلان زیر اشغال با تمام انتقادات و گاهی کف بر دهان و بوتل بازی، جز گدی های کوی و باشه های روی دست امریکائی ها چیز دیگری نیستند، کمتر تمایلی به شرکت در آن از خود نشان می دهند.

به این ترتیب کمونیست های انقلابی در برابر این وظیفه قرار می گیرند که هرچه بیشتر چنین انتخابات (ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی و ولسوالی ها) و کاندیداهای شان را بی نقاب سازند و نگذارند که این کاندیدان با چنین ژست هائی برای دولت پوشالی شکلکی ببخشند و توده ها را بفریبند. احزاب سرکاری را که برای انتخابات ریاست جمهوری و یا پارلمانی آمادگی می گیرند یا در گذشته در چنین انتخاباتی شرکت کرده و بر اشغال کشور مهر تأیید رسمی نهاده بودند نیز افشا نمایند (این بحث ضرورت به تحلیل همه جانبه مارکسیستی دارد که امیدواریم هرچه زودتر آن را به پیشگاه جنبش انقلابی کشور تقدیم نمائیم).

درین سال فقر و بیکاری سراسر کشور را فراگرفت، مواد مخدر همچنان تولید و قاچاق شد و اشغالگران از آن سود بالائی بردند؛ باندهای تبهکار جنگسالار و غیر جنگسالار در ارگان های قدرت و خارج از آن همچنان به چور و چپاول ادامه دادند و با تشکلات مافیائی به قاچاق، اختطاف، تجاوز بر دختران و زورگیری و زورمداری که خاصه کشورهای زیر اشغال است، ادامه دادند. مرگ و میر اطفال و زنان یک و نیم برابر افزایش یافت و فرار نیروی کار به ایران و پاکستان، گاهی قطع نشد و در زمینه های بازسازی که امپریالیست ها پیوسته و عده می دهند، کوچکترین قدمی برداشته نشد و حتی سرمایه گذاری های کمپنی های امپریالیستی نیز ۵۰ درصد کاهش یافت و به این شکل بازارهای افغانستان بیشتر از سال قبل در کنترل کشورهای ایران، پاکستان، چین، ترکیه و کوریای جنوبی قرار گرفت. ۵ ملیون شاگرد از رفتن به مکتب محروم شدند و در بخش زراعت و صنعت نه تنها قدمی

برداشته نشد، که در شهرک های صنعتی کابل، هرات، جلال آباد و مزار بیش از ۶۰ درصد کارخانه های تولیدی که بیشتر تولید مونتازی داشتند، بسته و کارگران آن ها بیکار و روانه خارج شدند تا نیروی کار شان را به سرمایه داران ایرانی و پاکستانی به طور ارزان و مطیع به فروش برسانند.

درین سال تضاد میان روسیه، ایران و هند بیشتر از گذشته بر سر مسایل افغانستان و در مجموع کل منطقه با اشغالگران بالا گرفت و هر سه کشور با جواسیس و کارگزاران شان بیشتر به درون افغانستان خزیدند. این ها (مخصوصاً ایران) در بخش مطبوعات بسیار نفوذ کرده و برخی از نشرات چاپی، تصویری و شنیداری را در کنترل خود گرفتند. پروژه محاصره روسیه به وسیله سازمان سیا امسال آفت داشت و روس ها بیشتر از امریکائی ها توانستند اوضاع را به ضرر امریکا تغییر دهند. بستن پایگاه هوائی مناسب در قرغیزستان و حمله بر گرجستان، امریکائی ها را بی ابرو ساخت و با آمدن اوباما و عقب نشینی در قبال ایران و پروژه تأسیسات هسته ای آن، دست ایران را در قضایای منطقه بیشتر بالا برد و برای اینکه امریکائی ها زیر فشار بیشتری قرار داده شوند، امسال ایران به دادن کمک های تسلیحاتی به طالبان نیز دست زد.

"سازمان انقلابی افغانستان" با اینکه معتقد به براه انداختن جنگ خلق جهت راندن اشغالگران و رهائی کشور می باشد و برای تدارک چنین مبارزه ای تا مساعد شدن شرایط عینی و ذهنی آمادگی می گیرد، در سالی که گذشت در میان چنین بستری به بلند نگه داشتن پرچم پر افتخار مبارزه طبقاتی بر اصول م. ل. ا لحظه ای از کار میان توده ها و روشنفکران انقلابی عقب ننشست و تا توان داشت به گسترش کار تیوریک و تشکیلاتی در میان انقلابیون پیشرو پرداخت و تلاش نمود که پایه های سازمان را درین گستره محکمتر نماید. از جایی که "سازمان انقلابی افغانستان" معتقد به کار مخفی و رعایت اصول پنهانکاری است، نمی توان درینجا بر بخش کار تشکیلاتی بیشتر تماس گرفت، اما دستاوردهایش را در این بخش با اینکه هرگز ایده آل نمی داند، ولی افتخار می کند که تعللی کمی هم در آن صورت نگرفت. رفقای "سازمان انقلابی" با آنکه شب و روز خستگی ناپذیر کوشش می کنند تا دین شان را در برابر خلق های زحمتکش ادا نمایند، علاوه بر تأمین زندگی روزانه با پرداخت حق العضویت و کمک های بالاتر از آن به تمام نیازهای تشکیلاتی و نشراتی سازمان پاسخ می گویند. رهبری سازمان بعد از سال ها موفق شد که رسم بلشویکی اتکای مالی بر اعضا و توده های حامی سازمان را زنده نگه دارد و قامت بلند و گردن فراز سازمان را به پای هیچ انجوا، دوتر و سرجاسوسی خم نسازد و عفت هیچ دختری را به «گرگان سیناسر» نفروشد. درین رابطه سازمان برای اولین بار در جنبش چپ کشور نوشته «مسئله مالی، بحث مهم ایدیولوژیک» را منتشر ساخت که نه تنها درسی برای اعضای سازمان بود، که از سوی چپ های انقلابی در خارج از سازمان نیز مورد استقبال قرار گرفت و مرز میان سازمان های مدعی چپ و سازمان های واقعی انقلابی را درین مورد چون آفتاب روشن ساخت.

سازمان انقلابی افغانستان درین سال جهت روشن نمودن راه انقلاب و انقلابیون منحرف، «به پیش» شماره اول را که در آن مشی سازمان ارائه شده و «به پیش» شماره دوم زیر عنوان «جامعه جهانی یا امپریالیست های خونخوار» که ماهیت تجاوزگرانه امپریالیست ها به کشور ما را برملا ساخته، منتشر ساخت. «به پیش» شماره اول به عنوان سند تاریخی در دسترس عده خاصی از پیروان این جنبش قرار گرفت، اما «به پیش» شماره دوم که در حجم بزرگتری توزیع شد، از سوی انقلابیون در داخل و خارج کشور به شدت استقبال شد. علاوه بر این دو نوشته، سازمان انقلابی درین سال نوشته های مسئله مالی؛ یک بحث مهم ایدیولوژیک، ما چرا انشغاب کردیم؟، اکرم یاری، مبارز اندیشه و عمل، یادواره رفیق احمد و اعلامیه های خون خلق زحمتکش یکاوانگ را گرامی می داریم و اوباما، ماسکی بر چهره خونریز امپریالیزم امریکا را نیز منتشر ساخت که بر چپ انقلابی اثرات فراوانی داشت.

از جایی که بعد از انتشار مشعل رهائی ارگان تیوریک سازمان رهائی در ۱۳۵۸ که با تمام اشتباهاتش اولین نوشته مدون مارکسیستی بود، با اینهمه تغییری که در سطح جهان، منطقه و کشور ما به وجود آمد، ورقپاره ای از سوی مدعیان چپ از جمله چپ "مدالگیر" منتشر نشد و بسیاری از پیروان و طرفداران جریانات دیگر فکر می کردند که مائوتسه دون اندیشه ها سر در لاک فرو برده و از گستره مبارزه طبقاتی حذف شده اند. انتشار دو «به پیش» (ارگان سیاسی- تیوریک سازمان انقلابی افغانستان) و جزوه های دیگر، این همه سردرگمی، دلمردگی و به بن بست رسیدگی را تا حدودی از میان برد که به علت انحراف عده ای از سازمان های چپ به میان آمده بود. این سازمان ها که روزگاری در میان انقلابیون و توده ها وجهه ای داشتند، در مغالزه با غربی ها قامت بلند شعله ای را به پای دالر و یورو و مدال خم نمودند و منطقاً سطری در دفاع از مارکسیزم، مبارزه طبقاتی و انقلاب پرولتری نوشتند و این خواهی نخواهی چنین وضعیتی را بر این جنبش مستولی می ساخت. به این خاطر نوشته ها، تحلیل ها و موضعگیری های به موقع سازمان انقلابی در دفاع از توده ها و انقلاب قهری نمی توانست شکوفه های امید پاسداران جنبش شعله ای را بار دیگر باز و بارور نسازد. ارزیابی سازمان انقلابی از مرحله انقلاب و موضعگیری های آن در «به پیش» که باید نقش ایسکرائی اش را در از میان برداشتن تشنت و خرده کاری جنبش انقلابی ایفا می نمود و روح انقلابی را در روان اعضای این سازمان ها که بسیاری آنان با انحرافات و پشت نمودن به مارکسیزم رهبران شان خو گرفته اند، بار دیگر این جنبش را زنده ساخت. این ها از وظایفی بود که این نوشته ها قدم های نخستین را در به سر رساندن آن ها گذاشت. با اینکه باور داریم که تا هنوز کم

کار کرده ایم، اما وقتی یکی از رهبران سازمان مدعی چپ در جواب پرسشی در مورد موضع سازمان در انتخابات، پاسخ را به جلسه سازمان موقوف می‌دارد، به وضاحت از نبود مشی و بیچارگی چنین تشکلاتی حکایت می‌کند که از عنصر آگاهی مارکسیستی تا چه اندازه فاصله دارند، زیرا سازمان‌های انقلابی می‌دانند که با انتخابات زیر اشغال چه برخوردی داشته باشند، و این امر میلیون بار برای "سازمان انقلابی افغانستان" وظیفه می‌سپارد که در روشن نمودن چنین زوایای تاریک برای رهروان این جنبش، راسخانه تر گام بردارد.

سازمان انقلابی افغانستان درین سال در بخش ادبیات انقلابی مخصوصاً در ترجمه شعر و ادبیات انقلابی به زبان پشتو توجه خاصی نمود و با مهم دانستن و از یاد نبردن کار دموکراتیک برای هرچه بیشتر روشن ساختن ذهنیت بسیاری از دوستان انقلابی با نوشتن مقالات تحلیلی به این مهم توجه جدی نمود و در تاریخ جنبش انقلابی کشور اولین بار از درون بستر داغ انقلابی به این پیمانانه کار صورت گرفت، کاری که معترفیم در برابر امر بزرگ انقلاب پرولتاری بسیار کوچک می‌باشد. سازمان درین سال با آشنائی با صفحات انترنیتی ضد امپریالیستی به پخش نوشته‌های سازمان پرداخت و ازین رهگذر نیازهای تبلیغاتی سازمان تا حدی مرفوع گردید که جا دارد از گردانندگان آن‌ها درین سالروز صمیمانه تشکر نمایم.

سازمان انقلابی افغانستان که اینک اولین سالگرد خود را جشن می‌گیرد، با چنین ارزیابی از وضعیت عمومی توده‌ها، کار خود و جنبش چپ انقلابی کشور که متأسفانه از پراکندگی و خرده کاری رنج می‌برد، به تمامی گروه‌های انقلابی که به مارکسیزم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون باور دارند، به حضور در متن و بستر داغ مبارزه طبقاتی متعهد اند و به مستعمره بودن کشور معتقد می‌باشند و هیچگونه سر سازش با اشغالگران ندارند، دست همکاری و همراهی دراز می‌کند تا با کار مشترک، پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر از درون این همه سرب و آتش سر برآورد و راه خراشیدن انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی را در میهن سوزان ما فتح نماید. سازمان انقلابی این همراهی را در پراتیک خواسته و با اینکه باور دارد که درین جریان باید روی کوچکترین تا بزرگترین مسایل جنبش بحث صورت گیرد، اما از پر حرفی‌های کسل کننده و پایان ناپذیر که دردی را دوا نمی‌کند، خودداری کرده، پراتیک انقلابی را معیار مبارزاتی قرار می‌دهد.

سازمان انقلابی افغانستان با چنین باورهائی بر بستر سال دوم پیکارش گام می‌گذارد و معتقد است که مانند سال گذشته، بی‌هراس از سختی‌ها، تهدیدها و ترساندن از «انفجار باروت» به راهی که انتخاب کرده به پیش می‌راند و دست دوستی را به انقلابیون پیکارجو در داخل و خارج کشور دراز می‌نماید.

مرگ بر امپریالیزم  
در راه سوسیالیزم، به پیش  
سازمان انقلابی افغانستان  
حمل ۱۳۸۸